

هایکو و تاریخچه‌ی آن

۲۵ فروردین ۱۳۹۱

علی فرحبخش / رادیو کوچه

«هایکو» یک قالب شعری بسیار مشهور ژاپنی‌ست که بیانی‌ست بسیار کوتاه از ذهنیت و دیدگاه‌های مردم سرزمین آفتاب تابان به جهان هستی. این دیدگاه ممکن است گاه آنقدر متمرکز باشد که در یک شکوفه‌ی گیلان خلاصه شود و یا جهیدن غوکی در آب.

صدها سال پیش در نتیجه‌ی مسابقات شعر، یک قالب شعری در ژاپن پیدا شد که به «هوکو» (Hokku) یا «هایکو» (Haiku) معروف شد. چنین شعرهایی را «های‌کای» (Haikai) هم می‌گفتند، اما واژه‌ی هایکو اکنون کاربردی عمومی‌تر یافته‌است. هایکو دارای قالبی بسیار ساده است. فقط سه سطر دارد، پنج هجا در سطر اول، هفت هجا در سطر دوم و پنج هجا در سطر سوم، رویه‌هم‌رفته هفده هجا.

اندیشه‌های بسیار گوناگونی را می‌توان در این دایره‌ی محدود بازگفت. این‌ها برخی از مضامین دلخواه شاعران هایکوسرای ژاپنی‌ست: کوتاهی عمر، زن، پرندگان و جانوران دیگر، حشرات، درختان و گل‌ها، کوه‌ها، ماه و آفتاب، برف و باران و مه و جلوه‌های دیگر طبیعت.

در هایکو، نمادگرایی، فراوان به‌کار برده می‌شود و نیز اشاره‌هایی پنهان که غالباً لطیف است، گرچه به زبانی ساده بیان شده‌باشد. برای شاعر هایکوسرا، مشاهده‌ی دقیق طبیعت و عشق به آن، در هایکو باز گفته می‌شود. بسیاری از هایکوها، نگاره‌ها یا تصویرهای کلامی زیبایی‌ست، اما نه توصیف پر از ریزه‌کاری و پرکار. نکته‌ها و نیامده‌ها در آن بسیار است و خواننده مختار است که آن‌ها را در اندیشه‌ی خود پر کرده و به هر شکلی که می‌خواهد تعبیر کند. کم نیست هایکوهایی که می‌توان آن‌ها را به چندین‌گونه تعبیر کرد، زبان ژاپنی از این‌نظر بسیار انعطاف‌پذیر است.

نفوذ نیرومند آیین بودایی «ذن» (Zen) با تاکید آن بر عرفان و نظاره‌ی احوال درونی، در بسیاری از این‌گونه شعرها آشکار است. تعجبی هم ندارد، چون بسیاری از هایکوسرایان، یا از رهروان زائر بودند یا از دیرنشینان.

هایکو را باید بارها و بارها خواند، زیرا اغلب در هر بار خواندن به کشف تعبیر تازه‌ای می‌رسیم. خواننده در این شعرها نباید پی وزن و قافیه و این‌جور چیزها بگردد.

هایکو شکل کوتاه شده‌ی قالب شعری «تانکا» (Tanka) است. «تانکا» سی‌ویک هجا دارد و در پنج خط به ترتیب 5-7-5-7-7 هجا نوشته می‌شود.

شکل‌گیری هایکو و تکامل آن روند مدت‌داری را پیمود، اما بسیاری بر این باورند که سر آغاز جهش هایکوسرای، با هایکویی به نام «برکه‌ی کهن» (Furu ike ya) شکل گرفت.

این هایکو را «ماتسوئو باشو» (1644-1694) (Matsuo Basho) سرود. متن هایکو این‌ست:

«برکه‌ی کهن، آه!

جهیدن غوکی،

صدای آب»

باشو را عموماً بزرگ‌ترین هایکوسرای ژاپن قلمداد می‌کنند که در اوایل دوره‌ی «ادو» (Edo) در ژاپن می‌زیست. (نام وی، باشو، به معنای درخت موز است.) وی که از رهروان مکتب ذن بودایی بود، با خلاقیت و احساسات عمیق خود، مظامین نو و پرباری را در هایکو خلق کرد که تأثیر «ذن» بر آن کاملاً مشهود است. بسیاری معتقدند که هایکوسرای باشو، آغاز دوران جدیدی در شعرسرای ژاپن بود.

درخصوص باشو و هایکوسرای، دکتر «سوزوکی» (Suzuki) - محقق برجسته‌ی ذن بودیسم و از جمله اولین کسانی که ذن و بن‌مایه‌های آن را به غرب معرفی کرد - معتقد است: «پیش از باشو، کار هایکوسرایان بازی با کلمات بود و همین باشو را بر آن داشت که شأن هایکو را به مرتبه‌ی بالاتر برساند. می‌توان گفت که هایکو از راه‌های گوناگون، بازتاب منش ژاپنی‌ست. ژاپنی‌ها به درازگویی خوگر نیستند، استدلالی نیستند و از انتزاعات عقلی می‌پرهیزند. بیشتر شه‌ودی‌اند و چنین می‌پسندند که واقعیت‌ها را چنان‌که هستند، بی‌هیچ تفسیر، خواه تفسیر عاطفی و خواه مفهومی، بیان کنند.»

«باشو» در سفرهای بسیاری که داشت، هایکوهای ناب و زیبایی سرود که از هایکوهای بزرگ و برجسته‌ی جهان محسوب می‌شوند. پس از وی بسیاری از هایکوسرایان به پیروی از باشو روی آوردند و البته در این میان، سبک‌های گوناگون و مختلف دیگری نیز پدید آمد.

آن‌چه مسلم است، «ذن» تأثیر عمیقی بر بن‌مایه‌های هایکوسرای بر جای گذاشت و بر ظرافت‌ها و عمق آن افزود. برای درک و نفوذ به اعماق هایکو، در ابتدا شناخت و نفوذ به تار و پود تاریخ و فرهنگ ژاپن بسیار موثر خواهد بود، و نیز رویت هایکو از منظر فاقده قضاوت و صرفاً نگاهی نظاره‌گرگونه، به روند درک هایکو

کمک بسیاری خواهد کرد. شاید نتوان هایکو را شعر ذن نامید اما مسلماً نمی توان تاثیرات ذن بر هایکو را انکار کرد و یا بنیان‌های این دو را از یکدیگر مجزا دانست.

برانداز یک هایکوی اصیل، بدون توجه به فرهنگ و سنت‌های ژاپن، عموماً برداشت‌های درست و عمیقی را به همراه نخواهد داشت.

به‌طور مثال به این هایکو توجه کنید:

«هیچ‌یک سخنی نگفتند،

نه میزبان، و نه میهمان

و نه گل‌های داوودی»

برای ما شاید این هایکو، تلخ به‌نظر برسد و روایت یک کدورت باشد. اما این هایکو در زیباترین شکل ممکن، در حال بیان یک مراسم چای ژاپنی‌ست که در طول آن، هیچ سخنی به میان نمی‌آید و حاضران، فقط از مراسم تهیه‌ی چای و نوشیدن آن، لذت می‌برند و بس.

و اکنون چند هایکو:

بر کلاه خیزانی

که از مترسک ربوده‌ام،

باران بی‌امان

تاکاهاما کیوشی (Takahama Kyoshi)

بارانی مه‌آلود

امروز روزی شاد است

هر چند که قله‌ی فوجی به‌دیده نمی‌آید

ماتسوئو باشو (Matsuo Basho)

صدای زنگی به نشانه‌ی وقت خواب

با اندیشه‌ی او در سر

چگونه توانم خفت؟

بانو کاسا (Lady Kasa)

به ماه که می‌نگرم

تابان بر هزاران هزار کوره راه درد

می‌بینم تنها من نیستم گرفتار خزان

اوئه چیساتو (Oe Chisato)

نمی‌دانم به چه می‌اندیشند آدمیان زادگاهم

می‌دانم اما گل‌های آن‌جا هنوز

همان عطر همیشگی را دارند

کی تسورایوکی (Ki Tsurayuki)

نخواهم بود آیا

یا به یاد خواهم آورد در آن جهان

آخرین دیدارمان را؟

بانو ایزومی شیکیبو (Lady Izumi Shikibu)

کاش جهان، همواره چنین می‌ماند

چند ماهیگیر

به کار کشیدن قایقی کوچک به ساحل رود

میناموتو سانهموتو (Minamoto Sanemoto)

بهار

تپه‌ای بی‌نام

پوشیده در مه صبح‌گاه

ماتسوئو باشو (Matsuo Basho)

کودک نابینا

دست در دست مادر

می‌ستاید شکوفه‌های گیلان را

انوموتو کیکاکو (Enomoto Kikaku)

می‌شکفند و...

نگاه می‌کنیم و...

فرو می‌ریزند و...

یوئه‌جینا اونیتسورا (Uejina Onitsura)

آه از این دنیای پر مشغله!

سه روز تمام

ندیده‌ام شکوفه‌ی گیلان

اوشیما ریوتا (Oshima Ryota)

حالا که مرد فرزند دارد

همه‌ی سگ‌های محله را

به نام می‌شناسد

کارای سن‌ریو (Karai Senryu)

در که باز می‌شود

وه! وه! وه!

صبح برفی

کارای سن‌ریو (Karai Senryu)

لباسشوی محله

گذران زندگیش

از چرک همسایگان

کارای سن‌ریو (Karai Senryu)

در دل معبد

صدای بریدن خیزران‌ها

رگبار سرد شامگاه

کوروباناگی شوها (Kuroyanagi Shoha)

با تربچه‌اش

راه را نشان می‌دهد

تربچه‌چین

کوبایاشی ایسا (Kobayashi Issa)

خوشا وقتی

در کلبه‌ام بر حصیر می‌افتم

تنهای تنها

تاچیانا آکمی (Tachibana Akemi)

مردی اسبش را می‌شوید

با خورشید غروب

در دریای پاییز

ماساؤکا شیکی (Masaoka Shiki)

باد خزان

هرچه می‌بینم

همه هایکوست

تاکاهاما کیوشی (Takahama Kyoshi)

هیچ نیست

جز پیچ و تاب سرخسی

این جهان گذرا

کاواباتا بوشا (Kawabata Bosha)

در آغوش پاسبان

دکان شیرینی فروش را نشان می دهد

کودک گم شده

کاتو شوسون (Kato Shuson)

چای صبح اش را می خورد

رهرو آرام است

گل های داوودی

ماتسوئو باشو (Matsuo Basho)

آذرخش

از کنار تاریکی می گذرد

فریاد حواصیل شب

ماتسوئو باشو (Matsuo Basho)

دریای مه گرفته

خورشید برآینده

و دیگر هیچ

شیرو (Shiro)

نخستین روز سال

جدا از دیگران

با بوریای کهنه‌ی خویش چه آسوده‌ام

تای‌گی (Taigi)

شکوفه‌های گیلان، در دل شب

بر دروازه‌ی

معبد دور از راه

تای‌گی (Taigi)

دیدار رهروی

بر پل

ماه زمستانی

بوسون (Buson)

داوودی سپید،

ذره‌ای غبار

به‌چشم نمی‌آید

ماتسوئو باشو (Matsuo Basho)

شکوفه‌های آلو

ایثار می‌کند بوی خود را
بدان کس که شاخه را می‌شکند
بانو چی‌یو‌جو (Lady Chiyojo)

یکی خطمی
آن‌جا ایستاده‌است، هم‌چون ماه‌رویی
از پس آب تنی
سودو (Sodo)

داوودی‌های سفید
داوودی‌های زرد
کاش نام دیگری وجود نداشت!
ران‌ستسو (Ransetsu)

کاکلی و کوکو
چلیپایی می‌سازند
با آواز یکدیگر
کیورایی (Kyorai)

با عطر آلو
به ناگاه بر می‌دمد آفتاب،
کوره‌راه کوهستانی

ماتسوئو باشو (Matsuo Basho)

میوه‌های خرمالو،

به نارا می‌اندیشم، به مهمانخانه

به رخساره‌ی خدمتکار

ماسااوکا شیکی (Masa-Oka Shiki)

منبع‌ها:

- 1- بیوکان، دانیل‌سی، صد هایکوی مشهور، ترجمه‌ی ع. پاشایی، نشر دنیای مادر، 1369
- 2- دبون، گونتر، شکوفه‌های آلوبن، ترجمه‌ی علی عبدالهی، نشر مینا، 1381
- 3- سوزوکی، د.ت، ذن و فرهنگ ژاپنی، ترجمه‌ی ع. پاشایی، نشر میترا، 1378
- 4- شاملو، احمد و ع. پاشایی، هایکو، نشر چشمه، 1376